

# در باره‌ی هنر نقاشی در ایران

دکتر علینقی منزوی

[مجله کاوه (مونیخ)، ش 51، سال 1353ش، فروردین، صص 6] [الفهرس الوصفی للمخطوطات الفارسیه المزینه بالصور بدار المکتب المصریه، تالیف: نصرالله طرازی، ج. دارالکتب قاهره 1968م در 190ص، 80 لوحه]

در همان سال 1969 که اثر گرانبهای نام برده در کتابخانه‌ی پدرم در نجف دیدم، آرزوی دیدار نگارنده‌ی گرانقدرش در دلم جای گرفت تا آن که در ماه مه امسال (1973) یک سفر توریستی دست داد، و چند روزی را به دیدار آثار فراغنه در جیزه و اقصر و آسوان گذرانیدم. پس از بازگشت از جنوب، از همسفران جدا گشتم، تا برای دیدار دوستانی چون طرازی که مدت‌ها با هم داد و ستد نامه می‌داشته‌ایم، و دکتر عبدالمجید بدوی فارغ‌التحصیل با وفای دانشگاه تهران که در معرفی‌گنجینه‌های ادب فارسی به تازی زبانان رنج فراوان برده و آثار ارزنده‌ای بیرون داده است، و دوستان دیگر در قاهره و اسکندریه بگذرانم. در قاهره، روزها را به اتفاق دوست عزیزم آقای احمد طاهری عراقی که یک سفر سه ماهه را در این شهر می‌گذرانید در دارالکتب نزد طرازی و یارانش، و یا در معهدالمخطوطات جامعه‌ی عرب نزد آقای رشاد عبدالمطلب برای تهیه‌ی چند میکروفیلم از دو کتاب سلمی نیشابوری (م 412هـ / 1021م) که مورد نیاز من بود می‌گذرانیدم. آقای طرازی گذشته از این که خود مدرس زبان‌های فارسی و ترکی دانشگاه‌های قاهره و عین شمس است، در اطاق خود در دارالکتب نیز عده‌ای دانشجوی زبان فارسی را بدور خویش گرد آورده و به کارهای فرهنگی راهنمایی می‌کند. آقای نصرالله طرازی پسر بزرگ آقای مبشر طرازی حسینی است که یکی از رهبران مذهبی ترکستان شوروی بوده و مولفاتی به فارسی و تازی و ترکی دارد و اکنون در قاهره است. نصرالله در مارس 1922م در شهر طراز (جبول کنونی در جمهوری قزاقستان شوروی) به زاده و در 1930 با پدرش به افغانستان آمده و تحصیلات خویش را در دانشگاه کابل به پایان رسانیده و در 1950 به قاهره آمده و به فهرستنگاری در دارالکتب گماشته شده است و اکنون رییس فهرس‌های شرقی آن کتابخانه می‌باشد. وی در این مدت 23 سال آثار زیر را تهیه و منتشر کرده است:

- 1- نورالدین الجامی، در احوال و آثار او. 78ص. 1964.
- 2- فهرست مخطوطات فارسی دارالکتب در دو جلد بزرگ خود شایسته معرفی جداگانه است.
- 3- الفهرس الوصفی للمخطوطات الفارسیه المزینه. (کتاب مورد بحث این مقال).

علاوه بر آن‌ها طرازی در ترجمه‌ی تاریخ بخارا تالیف نرشخی از فارسی به عربی با دکتر عبدالمجید بدوی همکاری داشته و مقالاتی نیز به فارسی و عربی و ترکی در مجلات مصر و افغانستان و پاکستان منتشر نموده است.

برای معرفی سومین اثر طرازی که به هنر نقاشی ایران مربوط است ناچار باید مختصری به تاریخ غم‌انگیز این هنر در ایران بپردازیم، که سه دوره کاملاً متمایز را طی کرده است: دوره اول قرن‌های سوم تا هفتم میلادی که نقاشی مذهبی مانوی و آلبوم‌های حماسی شاهان ساسانی نمودار آن بوده است. دوم شش قرن تباهی دوران هنرکشی قشریان سلفی تازی. سوم دوره رستاخیز پس از سقوط بغداد به دست ترکان مغول.

### دوره‌ی ساسانی:

نقاشی ایرانیان در عهد ساسانی بیشتر مبتنی بر تخیل بوده است. متفکران ایرانی در آن عهد همانند اندیشه‌وران پس از اسلام فارابی و ابن سینا، خیال را پایه‌ی اتصال بشر به عقل فعال می‌دانستند. چون آنان نیروی متخیله‌ی انسان را مانند همه‌ی موجودات متافیزیکی، دوقلو (نیکوسرشت، بدسرشت) می‌پنداشتند. به ناچار فیلسوف مذهبی ایشان مانی به دوگونه پیغمبر (یزدانی و اهریمنی) معتقد گردید (کاوه 43: 320 و 323 و کاوه 45: 83 و 85). روی همین اساس، متفکران زردشتی و مانوی، استدلال‌های مذهبی و عقلی خویش را بروی انالژی **Analogie** تمثیل، تشبیه‌های خیال‌انگیز استوار می‌نمودند. این همان روشی است که بعد از اسلام مو به مو مورد استفاده‌ی گنوستیک‌ها و شیعیان اسماعیلی و صوفی قرار گرفته بود. تفاوت میان کتب مانوی و کتب اسماعیلی فقط در آن بود که آثار اسماعیلی مانند اخوان الصفا و سجستانی و کرمانی و ناصر خسرو به سبب ترس از مذهب هنرکُش حاکم، از نقاشی موجودات زنده تهی است، زیرا که طبق عقاید سلفیان تصویر کردن موجود زنده به منزله‌ی مداخله در اعمال خدا به شمار می‌رفت، و جریمه‌دار شدن غرور خدا موجب می‌گردید که روز قیامت، از نقاش به خواهد که به آفریده‌ی هنری خود روح بخشد، و چون حتماً از عهده‌ی چنین کار بر نخواهد آمد، به ناچار تا ابد در آتش خواهد سوخت. با این همه کتاب‌های اسماعیلیان و گنوستیک‌های دیگر (مانند طواسین حلاج) چنان که نسخه‌ها [...] نشان می‌دهد، از نقاشی صورت‌های هندسی زمین و آسمان و جهان‌های بالاتر، خالی نبوده است. اما مانویان، در کتاب‌های خویش پا به پای استدلال‌های تمثیلی و تشبیه‌های مذهبی، صورت خیالی آن‌ها را برای خوانندگان نقاشی می‌کرده‌اند. و لذا ارتنگ مانی در ادبیات فارسی به صورت آلبومی از نقاشی‌ها معرفی شده است و کتاب‌های تصویردار را بدان تشبیه می‌کنند. گویند این کتاب در کتابخانه‌ی غزنویان در غزنه موجود بوده است. هنگامی که سنت اگوستین (م 430 م) پس از 9 سال مانوی‌گری تحت تأثیر مادرش به مسیحی‌گری گرایید، با همه دشمنی سخت که نسبت به مانویان نشان می‌داد، باز از هنرهای سحرانگیز ایشان در خطابه و شعر و موسیقی و سرود و نقاشی و از کتاب‌های دیگر ایشان که به زبان لاتین در ایتالیا و شمال آفریقا پخش بوده است سخن می‌گوید.<sup>1</sup> اساس نقاشی مانویان بر پایه‌ی تصورات فلسفه‌ی دوآلیزم و برای نشان دادن و پیکر انگاری روان‌های دوقلو، نیک و بد استوار بوده است. هنر نقاشی ارواح در دوران حکومت تازیان نیز با همه جلوگری‌ها، کما بیش ادامه می‌داشت و تا این اواخر نیز در کتاب‌هایی که در باره‌ی

ارواح نگاشته می‌شد شبیه سازی و پیکر انگاری از عقول و ارواح و اجنه و شیاطین معمولی بود و برخی از آن‌ها نیز در هند و ایران چاپ شده است.

اما نقاشی عصر ساسانی منحصر به این هنر فانتزی نبوده، بلکه برای ساختن مناظر واقعی، و ترسیم مجالس تاریخی و حماسی و تفریحی و نیز شبیه صورت بزرگان و قهرمانان ملی به کار می‌رفته است. گویند: « کاهنی مانوی صورت انوشیروان را به مامون عباسی نشان داد». مجتبی (م 284 هـ / 897 م) شاعر دربار متوکل عباسی، تصاویر نقاشی شده بر دیوارهای طاق‌کسری را، در قصیده‌ی خود شرح می‌دهد. مسعودی (298 هـ / 911 م) کتابی مانند آلبوم دیده است که دارای صورت 27 تن از شاهان ساسانی بوده است که دو نفر ایشان زن بوده‌اند.

### تأثیر نقاشی مانوی در مسیحیت:

روش تبلیغ مانویان شبیه به چیزی بود که امروزه ما آموزش سمعی و بصری نامیم اینان اضافه بر بیان کتبی و شفاهی، به نشان دادن تصویرها عقیده‌ی خویش را به طرف می‌فهمانیدند. در جنگ‌های آخر دوره‌ی ساسانی، در میان اسیران ایرانی که به چنگ رومیان افتاده بودند مانویان بسیار بودند. اینان در دوره‌ی اسارت خود این هنر را که پدران‌شان از چین به ایران آورده بودند، در میان مسیحیان پخش نمودند، مسیحیان اروپایی آن را پذیرفته و مسیحیان شرقی (سریانیان) آن را گناه تشخیص دادند. پس از تشکیل حکومت خلفا در خاورمیانه، سریانیان مسیحی به تقلید پسر عموهای عرب خود به شکستن ایقون‌های کنیسه‌ها پرداختند و در جمع مسکون نیقیه به سال (787 م / 170 هـ) کوشش بسیار برای تحریم آن نمودند، ولی موفق نشدند. کنیسه تصویر را مجاز اعلام کرد، و ایقون شکنی‌ها موقوف شد و بخشی از هنر جهان از شر زحمت مذهب‌انجرات یافت. برای تصمیمات آن جمع نیقیه، مجموعه‌ی اسناد کنیسه (چ پاریس 1961 ص 311) دیده شود.

### شش قرن تباهی:

از همان آغاز پورش تازیان به عراق بیشتر این آثار هنری به آتش کشیده شد و این هنر سوزی قرن‌ها ادامه داشت و نمونه‌ی کوچک آن‌ها را می‌توان در منتظم ابن جوزی سال‌های 311 و 398 و 448 هـ و چند جای "معجم الادبای" یاقوت از جمله 2: 315 وصله تاریخ طبری ص 96 و "جمل التواریخ" ص 403-404 و "الافاده و الاعتبار" بغدادی ص 28 و "اخبار الحکمای" قفطی و "لسان‌المیزان" 5: 354-356 و "شرح شطحیات" روزبهان ص 455 و مقدمه‌ی "کشف‌الظنون" بررسی نمود. در باره‌ی یکی از آن حوادث ابن‌جوزی گوید: چهار عدل کتاب مصور و نقاشی شده‌ی ایرانی را که به سال 311 هـ در بغداد یافته به آتش کشیدند، آن قدر در نقاشی‌هایش زربکار رفته بود که زیر خاکستر کتاب‌ها طلا بسیار بر زمین نشسته بود.

ایرانیان که در سده‌ی هفتم به بعد برای شانه‌خالی کردن از بار کمر شکن جزیه و فرار از شکنجه‌های جسمی و روحی مسلمان می‌شدند،

می‌توانستند یک باره تمام عقاید خشک و ضد هنری حکام سلفی را بپذیرند. اینان با غریزه‌ی هنر دوستی خویش و همراه با عقاید گنوستیک و اشراق صوفیانه و باصطلاح به طریقه‌ی ساسانیه (کاو 45: 77) مسلمان می‌شدند و به مذهب‌های گنوستیک غلات و صوفیان می‌گرویدند که سماع و موسیقی و رقص را بهترین عبادت شمرده و خانقاه‌هایشان پر از تصاویر پیشوایان دین اسلام بود. اگر چه به مرور زمان، عقاید خشک سلفی با زور دولت برمغزهایشان تمیل شد و روح هنری ایشان افسرده و میدان هنر تنگ و تنگتر گردید، ولی یک باره نمرده، چنان که در سده‌ی (4هـ / 10م) ابودلف خزرجی درقصیده‌ی ساسانیه که به دستور صاحب‌عباد، آن وزیر معتزلی‌نمای خشک‌تر از سلفی، در نکوهش طریقه‌ی ساسانیه‌ی تصوف سروده است، از قالبی نام می‌برد که "طرس" خوانده می‌شده، و آن چوبی است که غلات و صوفیه‌ی ساسانیه‌ی، نقش‌ها و دعاها را بر آن کنده و بر روی او راق و پارچه، به مانند مانویان باسهم می‌کرده و می‌فروخته‌اند. البته او به پیروی از سلفیان این هنر را که قدیم‌ترین نمونه‌ی چاپ در ایران پس از اسلام است، جزو عادات ذمیمه ایرانیان شمرده است.

ابودلف در سفرنامه‌ی خود به چین نیز از هنرهای مانویان یاد می‌کند. بخشی از این سفرنامه در کلمه‌ی "مین" معجم‌البلدان یاقوت آمده است و بخش‌هایی از آن را مینورسکی در لندن و بولغاکوف در مسکو 1960م چاپ کرده‌اند<sup>2</sup> وقتی رفتار وزیر معتزلی‌نما چنین باشد، برخورد خلفای سلفی مذهب معلوم و سرنوشت هنر و آینده آن آشکار است. مثلاً: شیعیان که تا قرن پنجم و ششم به پیروی از گذشتگان‌شان (غلات) پیکرتراشی و مجسمه‌سازی را مباح می‌شمردند (کاو 86: حجامه) بعد از آن تاریخ به پیروی از مذهب دولتی خلفا و به منظور اتحاد و پیوستگی با دیگر مسلمانان، آن را تحریم نمودند و یک باره این هنرگرانقدر را دفن کردند برای تحقیق در چگونگی گرایش تدریجی شیعه به سوی مذهب سلفیان می‌توان فتاوی طوسی (م 460هـ / 1068م) و طبرسی (م 548هـ / 1103م) در تفسیر آیه‌ی 51 بقره مبتنی بر حلیت مجسمه‌سازی را بافتاوی دو قرن بعد شیعه مقایسه نمود. گوشه‌ای از فشار حکام سلفی بر مردم ایران جهت تحریم هنر، در مجادله‌های مذهبی مانند کتاب «نقض» ص 626\_640 منعکس است که سلفی رافضی را به طرفداری از شعر و نقاشی متهم می‌کند.

پس از این همه عقب‌نشینی ایرانیان در برابر عقاید خشک سلفی حاکم، باز هم هنر در میان ایشان نمرده اگر آلبوم‌های شاهان ساسانی و نگارستان‌های مانوی به سوخت و ایجاد مانند آن‌ها ممنوع شد، باز ایرانی هنر خود را به صورت تزیین قبور امامان و پیشوایان اسلامی خویش ظاهر کرد. عکس‌های خیالی از پیغمبر و چهارده معصوم بر در و دیوار معابد شیعی آویخته بود، حتی عکس دختر پیغمبر که جزو معصومان ایشان بشمار است، (البته با رو بند اجباری) در همه جا مورد تقدیس و احترام بود.

باید متوجه بود که این خاصیت ضد هنری خلفا و فقیهان درباری‌شان، بیش از آن که به فرق میان مذهب‌های شیعی و سنی مربوط باشد، به فرق زندگی و عادات تازیان صحرای شبه جزیره و عادات

مردم ایران و هند و ترکستان مربوط بوده است. لذا هر چه از شبه جزیره روی به مشرق یا مغرب دور شویم در میان مردم سنی و شیعی با آثار هنری بیشتر برخورد می‌کنیم چنان که بر دیوار کاخ-های ترکان سلجوقی (سده‌ی 6هـ / 11م) که محمد اندر باستان‌شناس ترک آن‌ها را در قبادآباد شمال قونیه کشف کرده نقاشی صحنه‌های شاهنامه با اشعار فارسی مربوط بدان بسیار دیده می‌شود و هر چه به مرکز عربستان نزدیک شویم تنفر از هنر بیشتر به چشم می‌خورد.

اما پس از آن که تازیان از شبه‌جزیره بیرون آمده و با فتح کشورهای هم‌جوار حکومت‌هایی تشکیل دادند کم‌کم با تمدن آشنا شده، روح هنری یافتند، و شاید بتوان گفت: متوکل (م 247هـ / 861م) آخرین خلیفه‌ی متعصب سلفی بود که به دستور او آثار هنری قبر حسین در کربلا که زیارتگاه غلات گنوستیک شده بود خراب و درهم کوبیده شد. تازه متوکل نیز، مانند برخی حکام نجد و خلیج امروز، هنر را برای مردم حرام می‌شمرد و کاخ‌های خودش از ذوق هنری بکلی خالی نبود. باری از سده‌ی (4هـ / 10م) به بعد، تزیین مساجد و قبور بزرگان، حتی در مرکز خلافت عرب هم متداول شد و از آن تاریخ تاکنون، در هر چند مدت یک بار، که شهرهای باختری عراق مورد هجوم قبایل صحرا گرد عرب نجد قرار گرفت، اعرابی که در عراق بومی شده بودند دوش به دوش بومیان قدیمی از آثار هنری خود دفاع می‌کردند (کاوه 86: حننامه). اما باید دانست که این نرمش خلیفگان نسبت به هنر هیچ‌گاه به سرحد طرفداری و تشویق از نقاشی نرسید، و پیش از آمدن مغول به ایران، از نمونه‌ی آل‌بوم-های ساسانی، و ارتنگ‌های مانوی که به دست تازیان سوخت چیزی به وجود نیامد.

### قدیم‌ترین مکتب‌های نقاشی ایران:

آری تا آن جا که اطلاع داریم کهن‌ترین نسخه‌ی مصور ایرانی که در این دوره باقی مانده کتاب مقامات حریری است که در کتابخانه‌ی ملی پاریس نگاه‌داری می‌شود. این نسخه در (616هـ / 1219م) یعنی کمی پس از ورود مغول به ایران نوشته شده است. اما همین که در سال (695هـ / 1295م) غازان‌خان مغول در تبریز به تخت نشست و نام خلفا از سکه و شلاق محتسبان را از دست فقیهان خشک برگرفت، هنر روی به گسترش نهاد، مکتب‌های هنری به وجود آمد که امروز به مکتب مغولی بغداد و تبریز شناخته می‌شوند. هم‌اکنون در کتابخانه‌ی Pierpont Morgan در نیویورک نسخه‌ای از "جامع‌التواریخ" رشیدی هست که از (716هـ تا 736هـ) در تبریز نوشته شده و دارای 80 لوحه‌ی نقاشی مینیاتوری بوده که اکنون آن‌ها را در میان موزه‌های لندن و نیویورک تقسیم کرده‌اند.<sup>3</sup> یک قرن بعد از آن مکتب تیموری هرات نضج گرفت و پس از آن مکتب صفوی تبریز و قزوین و اصفهان شهرت یافت. اما متاسفانه در سده‌ی (11هـ / 17م) هنگامی که شاه عباس مدارس فلسفه و عرفان و اشراق را در قزوین ویران کرد و پایتخت را به اصفهان آورد، کارها را به دست فقیهان شیعی‌نمای قشری‌تر از سلفیان سپرد پس حکومت صفوی برای دفاع از اتمام کفر

و زندقه که عثمانیان بدان وارد می‌کردند به مسابقه‌ی خشک مقدسی دست یازید، و با اتکا بر قشریان، در ظاهری‌گری دست حنبلیان را از پشت بست.

پس از این تاریخ، هنر و ادب در ایران دوران نزول را پیمود. و این وضع رکود تا رنسانس ایران و احتکاک با تمدن غرب در سده‌ی (13هـ / 19م) ادامه یافت. برقراری روابط با اروپا از نفوذ معنوی قشریان کاست و قید و بندهای ضد هنری را سست کرد، پس هنرمندانی چون حس افشار (لال) و لطف علی‌خان نقاش، در تهران، و خاندان وصال در شیراز و نجف و اصفهان به وجود آمدند، تا آن که اخیراً با کمال‌الملک و حسین‌بهزاد (م 1347هـ / 1968م) هنر نقاشی ایران به مرحله‌ی نوین خودگام نهاد.

### کتاب مورد گفتگو:

فهرست آقای طرازی شمه‌ای از این نشیب و فرازها را پیش چشمان ما مجسم می‌نماید. این اثر مفید چنان که از نامش پیدا است فهرستی از نسخه‌های فارسی خطی مزین به صورت‌ها و نقاشی‌ها می‌باشد که در کتابخانه‌ی دارالکتب قاهره نگاه‌داری می‌شود. چاپ این کتاب در قاهره، در دورانی که دولت گرفتار مشکلات ناشی از اشغال بخشی از کشورشان توسط تجاوزکاران همسایه‌آزار اسراییلی است و هزاران کارگر مشغول ساختمان سد عظیم اسوان بودند، خود نشانه‌ی هنر دوستی فرزندان کارگران سازنده‌ی هرم‌های جیزه و معبدهای با عظمت اقصی و اسوان است. پدرانشان شبستان کرنک را که 128 ستون 10 متری و دالانی که در هرسوی آن 14 پیکره‌ی با عظمت خوابیده دارد، ساختند و دو مجسمه‌ی "منون" را به ارتفاع 14 متر و دیگر آثار معجزه‌آسا را از سنگ تراشیدند و خودشان برج 187 متری قاهره و ده‌ها پل بر روی رود نیل بنا کرده‌اند. آری این خود نشانه‌ی رشد نسبی ملت است که فشار دشمن چنان نیرومند، ایشان را از توجه به وظایف دیگر، مانند نشر تاریخ هنر و هنرمندان، باز ندارد. تاریخ هنر نقاشی ایران در جهان امروز به صورت یک علم مستقل گسترش یافته است و فهرست‌های نقاشی، فصلی مقدماتی و لیکن بزرگ آن را تشکیل می‌دهد، چنان که اخیراً آقای Oleg Gerabar استاد دانشگاه هاروارد، مشغول تهیه‌ی کتابی در فهرست صحنه‌های نقاشی شده‌ی شاهنامه می‌باشد. وی در این کتاب 327 نسخه از شاهنامه‌های موجود در جهان را که دارای لوحه‌های نقاشی هستند فهرست نموده، تا بعداً آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار دهد<sup>4</sup> یکی از فهرست‌های دقیق و قابل اعتماد که برای هنر نقاشی فارسی تهیه شده، همین کتاب مورد بحث است که آقای طرازی نگاشته است. وی در این کتاب 71 نسخه‌ی خطی فارسی موجود در آن کتابخانه را معرفی نموده که 68 نسخه‌ی آن روی هم 1587 تصویر دارد و 3 نسخه‌ی دیگر دارای تصویرهای بی‌شمار هستند. چون او نسخه‌ها را به ترتیب تاریخ مرتب ساخته است، می‌توان به وسیله‌ی آن آماره‌ی روشنی از چگونگی پیشرفت و پس‌گرد هنر در ایران، در قرن‌های مختلف به دست آورد، و اگر تهیه‌ی این گونه فهرست‌ها در ایران و اروپا و آمریکا و مخصوصاً در هند، برای هنر نقاشی ایران ادامه یابد، می-

توان از آن‌ها منحنی نمایش‌هایی و وسیع‌تر و در کادر جهانی، مانند آن چه برادرم احمد منزوی برای نسخه‌های خطی فارسی در جهان تهیه نمود و در مجله‌ی راهنمای کتاب سال (14ص 283 - 292) چاپ کرد، در دسترس مردم نهاد. مثلاً: طرازی

ازسده‌ی (8هـ = 14م)	2	نسخه‌ی خطی‌با	14	لوحه‌ی ازهمه‌ی	179	لوحه، آن را	شناسانده	است.
ازسده‌ی (9هـ = 15م)	3	نسخه‌ی خطی‌با	81	لوحه‌ی ازهمه‌ی	251	لوحه، آن را	شناسانده	است.
ازسده‌ی (10هـ = 16م)	18	"	157	"	199	"	"	"
ازسده‌ی (11هـ = 17م)	17	"	158	"	237	"	"	"
ازسده‌ی (12هـ = 18م)	6	"	38	"	341	"	"	"
ازسده‌ی (13هـ = 19م)	6	"	19	"	189	"	"	"
ازسده‌ی (14هـ = 20م)	3	"	2	"	2	"	"	"

باقی لوحه‌های معرفی شده‌ی این کتاب، بی‌تاریخ‌اند و با آن که قابل آمارگیری هستند من برای اختصار آن‌ها را به حساب نیاوردم. طرازی در پایان کتاب خود 80 لوحه از 1587 لوحه را برگزیده و چاپ کرده است. این آمار اگر چه ناقص و ویژه‌ی یک کتابخانه است، باز تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که چگونه هنر نقاشی ایران پس از سقوط دربار خلافت در بغداد بالا رفته و گسترش یافته و چگونه پس از ویران شدن مدارس فلسفی قزوین، به دست شاه عباس، قوس نزولی را آغاز کرده است.

### بیکره‌ها از مردم نامی:

یکی از مزایای سودمند این فهرست راهنمایی خواننده به محل وجود بیکره‌ها و عکس‌های مردان نامی ایران و خاورمیانه است. مثلاً از شعرایی هم چون فردوسی، عنصری، فرخی، سنایی، حافظ، سعدی، جامی، حسن دهلوی، کلیم، محتشم، صابر، صائب، عرفی، غنی، طاهر، مشتاق، نظیری، مولوی، اسیر، وحید، ظهوری، مخلص، نورعلیشاه، و ده-ها شاعر دیگر در آن جا عکس‌هایی شناسانده شده است. بسیاری امیران و سپهسالاران، هم چون سلطان حسین بای‌قرا و شاهان صفوی، چون عباس اول و دوم و طهماسب‌ها، عکس‌هایی نشان داده شده است. اگر چه برخی از این شبیه‌ها خیالی بوده، باز هم ارزش تاریخی فراوان دارد. با توسعه دادن بدین کار، می‌توان در آینده، فهرستی جامع از تمام صورت‌های [موجود گرد آورد و در] چاپ تحقیقی اثر هر یک از آنان، عکس یا عکس‌هایی گوناگون را که از صاحب اثر در دست است، در پیش‌گفتار چاپ کتاب یا اثر او منتشر ساخت.

1- اگوستین. اعترافات. ترجمه عربی از یوحنا حلو. بیروت 1962ص 57، 82، 83، 84، 86، 108.

2- برای شناسایی این سفرنامه راهنمای کتاب سال اول ص 73 و سال پنجم ص 803 دیده شود.

3- یادنامه حسین‌بهاد. تالیف ابوالفضل میربها. ص 43 به نقل از کتاب: به قلم بازلگری. Persian Mininature Painting.

4- راهنمای کتاب. سال 16 ص 124.